

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 6, Summer 2020, 305-326
Doi: 10.30465/crtls.2020.5493

A Critical Review of *The Roman Historian Tacitus's Book of Annals*

Yaser Malekzadeh*

Sorour Khorashadi**

Abstract

The Roman historian Tacitus' s Book of Annals is an important historical source on the history of the Parthians and their neighbors. Although Mirsaidi's, the translator, main focus is on Roman history, this book also has some very important mentions on the role of the Parthians and their subordinate lands, but they were not translated. In this work, a comparative study was conducted between the original English version of the book and its Persian translation to examine the accuracy of the content of the Persian translation. The authors have tried to review the translation of the book after introducing the main gist of the book and some of its important non-Persian editions and subsequently comparing these translations with its English translation. This reminds the value and/or issues related to the work, along with an emphasis on some neglected points in the Persian translation. The writers of this article have translated some parts of the book, which relates to Parthian history in Iberia and Armenia. Iranian and Parthian houses played an important role in these lands. These parts are not in the Mirsa'idi's translation, but their history was in association with Parthian history in Persia.

Keywords: Annals, Tacitus, Rom, Arsacids, Mirsa'idi.

* PhD in Ancient History of Iran, Faculty of Literature & Humanities, University of Tehran, Iran,
yasermalekzadeh@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), .khorashadi@modares.ac.ir

Date received: 2020-01-19, Date of acceptance: 2020-07-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه، تاسیت

یاسر ملک‌زاده*

سرور خراشادی**

چکیده

این مقاله نقدی بر کتاب تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه، تاسیت است. با تطبیق نسخه انگلیسی اثر *The Annals by Tacitus* و ترجمه فارسی آن محتوا و ترجمه کتاب بررسی شده است. نادر میرسعیدی، مترجم این کتاب، از ترجمه انگلیسی متن مفصل لاتین این اثر بخش‌های مربوط به تاریخ اشکانیان را برگزیده و به فارسی برگردانده است. نگارندگان مقاله تلاش کرده‌اند پس از معرفی متن اصلی کتاب و برخی ویرایش‌های مهم آن به زبان‌های غیرفارسی، ترجمه میرسعیدی و مقایسه آن را با ترجمه انگلیسی اثر بررسی کنند و با یادآوری ارزش کار میرسعیدی به برخی نکات مغفول‌مانده در ترجمه اشاره کنند. افزون‌براین، نگارندگان مقاله بخش‌هایی از تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه، تاسیت را که در ترجمه میرسعیدی وارد نشده است در نوشتار کنونی گنجانده‌اند. هرچند متنی که در ترجمه میرسعیدی از قلم افتاده است بیش‌تر مربوط به تاریخ معارضات گرجستان و ارمنستان است، ولی در این سرزمین‌ها خاندان‌های ایرانی و اشکانی ایفای نقش می‌کردند که تاریخ آن‌ها از تاریخ ایران اشکانی مستقل نبوده است.

کلیدواژه‌ها: سال‌نامه‌ها، تاکیتوس، روم، اشکانیان، میرسعیدی.

* دکترای تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، yasermalekzadeh@yahoo.com
** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، s.khorashadi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

۱. مقدمه

کتاب تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه، تاسیت ترجمه گزیده‌ای است از کتاب کهن تاریخی سال‌نامه‌ها نوشته تاقیتوس مورخ روم باستان (Church and Brodribb 1921). اگرچه ترجمه کل متن سال‌نامه‌ها می‌توانست بسیار مفید و سودمند باشد، با توجه به مفصل بودن کتاب ترجمه فارسی بخش‌هایی از آن که در ارتباط مستقیم با تاریخ اشکانیان است غنیمتی است که نادر میرسعیدی فقید آن را محقق کرده است. اصل این کتاب به لاتین نگارش شده و ترجمه‌های متعددی از آن انتشار یافته است. مطالب ترجمه‌شده را از نظر زمانی می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱. رویدادهای سال نخست حکومت تیریبوس؛ ۲. وقایع پس از سال ۳۵ میلادی که اردوان بعد از مرگ ارتاشس، پادشاه ارمنستان، تلاش می‌کند این کشور را تحت سلطه خود درآورد و جنگ داخلی در قلمرو اشکانیان بر سر حکومت بلاش و تیرداد درگرفته است؛ ۳. وقایع پس از سال ۴۷ میلادی که کشمکش بر سر ارمنستان بالا گرفته و جنگ داخلی بین وردان و برادرش، گودرز، در جریان است؛ و ۴. درگیری و جنگ بین روم و ایران بر سر حاکمیت بر ارمنستان، صلح بین بلاش و نرون، و سفر تیرداد به رم. در این مقاله، ابتدا، کتاب و نویسنده آن معرفی خواهد شد؛ سپس، اطلاعاتی درباره خاستگاه نویسنده، کتاب‌های او، و نیز جو سیاسی‌ای که او و آثارش را متأثر ساخته ارائه می‌شود. در ادامه، متن منتخب اثر (سال‌نامه‌ها) و لزوم ترجمه آن به فارسی بررسی خواهد شد. ابتدا، به شرح خلاصه‌ای از کتاب و معرفی ترجمه‌های غیرفارسی آن مبادرت می‌شود و در پایان، با ارزیابی ترجمه میرسعیدی ترجمه فارسی اثر تکمیل خواهد شد.

۲. متن اصلی

۱.۲ معرفی کلی اثر

شناسه کتاب چنین است: تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه/ تاسیت؛ مترجم نادر میرسعیدی؛ ناشر: ندای تاریخ، موضوع: ایران، تاریخ، اشکانیان، ۲۴۹ پم-۲۲۶ م، گاه‌شماری؛ چاپ اول ۱۳۹۶، تیراژ ۱۰۰۰، قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال، جلد: شومیز، قطع: رقعی (۲۲×۱۵)، نوع کاغذ: تحریر، تعداد صفحات از صفحه عنوان تا پایان نمایه کتاب: ۱۰۹ صفحه. عنوان لاتین اثر چنین است: *Ab excessu divi Augusti*؛ ولی در ترجمه انگلیسی این عنوان را *Annals* آورده‌اند که اسم جمع است و بنابراین هرچند عنوان کتاب در ترجمه به

سلیقه مترجم نیز بستگی دارد، با توجه به این که مترجم در کار خود متن انگلیسی چرچ و برودریب را پیش‌رو داشته است بهتر می‌بود که از ترجمه این فرهیختگان مسلط به زبان لاتین پیروی می‌شد. نگارندگان مقاله به چاپ (Church and Brodribb 1921) دسترسی نداشتند و چاپ (Church and Brodribb 1942) را مدنظر قرار دادند. بنابه آنچه در ادامه خواهد آمد، گویا مترجم نیز به چاپ اولیه کتاب دسترسی نداشته است.

۲.۲ نقد و تحلیل خاستگاه اثر

پوبلیوس (یا گایوس)^۱ کورنیوس تاکیتوس (Publius (or Gaius) Cornelius Tacitus) (حدود ۵۶/۵۵-۱۱۷ م) نویسنده سال‌نامه‌ها در ایران براساس قرائت فرانسه محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه^۲ از نام او و به‌خصوص، از زمان انتشار کتاب تاریخ مفصل ایران قدیم مشیرالدوله پیرنیا (پیرنیا ۱۳۷۵) با نام «تاسیت» شناخته می‌شود. منابع اطلاعاتی ما درباره او بیش‌تر بر مبنای آثارش و دوست فرهیخته‌اش، پلینیوس (پلینی) کهن، است. در میان نامه‌های به‌جای‌مانده از پلینیوس یازده نامه خطاب به تاکیتوس است. قطعی‌ترین تاریخی که از زندگی او در دست است مربوط به ازدواج او با دختر گنایوس یولیوس آگریکولا (Gnaeus Julius Agricola) فرمانده معروف رومی است (Church and Jackson 1962: vii). تاکیتوس مورّخی از طبقه اشراف رومی است که محل تولدش شناخته‌شده نیست، اما برخی او را متولد کیسالمین گل (Cisalpine Gaul) (در شمال ایتالیا) و برخی در جنوب گل (ایالت پرووانس Provence کنونی فرانسه) دانسته‌اند (Hughes-Warrington 2008: 334). در هر صورت، پس از اتمام تحصیلاتش در رم اقامت گزیده است. تاکیتوس در زندگی‌اش حکومت امپراتوران رومی بسیاری را به چشم دیده است. نرون (Nero Claudius Caesar Augustus Germanicus) (۵۴-۶۸ م)، گالبا (Servius Sulpicius Galba Caesar Augustus) (۶۸-۶۹ م)، اتون (Marcus Salvius Otho Caesar Augustus) (۶۹ م)، ویتلیوس (Aulus Vitellius Germanicus Augustus) (۶۹ م)، و سپازیانوس (Titus Flavius Vespasianus) (۶۹-۷۹ م)، تیتوس (Titus Flavius Caesar Vespasianus Augustus) (۷۹-۸۱ م)، نروا (Marcus Cocceius Nerva) (۸۱-۹۶ م)، تریانوس (Imperator Caesar Nerva Traianus Divi Nerae) (۹۶-۹۸ م)، و هادریانوس (Publius Aelius Hadrianus Augustus) (۹۸-۱۱۷ م) امپراتورانی هستند که در دوران زندگی او حکومت کرده‌اند. تاکیتوس

چنان‌که در کتاب *تواریخ (Historiae)* شرح داده است (Tac.His 1.1.3) در زمان تیتوس جایگاه بازپرس قضایی (Quaestor) امپراتوری را که به عضویت در سنا ختم می‌شد کسب کرد (۸۱ م) و در همان زمان به نمایندگی سنا انتخاب شد. پس از چهار سال تسویه‌های بی‌رحمانه دو میتیانوس در مورد سنا آغاز شد و موقعیت تاکیتوس در جایگاه سناتور به خطر افتاد؛ بنابراین، او در سال ۸۹ میلادی به‌همراه همسرش رم را ترک کرد (Mason and Fearenside 1891: ix-x) و طبق اظهارات خودش (Tac. Ann.11.11) در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ میلادی در مقام فرمانده اداری و نظامی خدمت کرد (Tac. Agr.45.5). احتمالاً، یکی از مراکز خدمت او ژرمانیا بوده است و کتابش با نام *درباره منشأ ژرمن‌ها (De origine et situ Germanorum)* محصول تجربه‌اندوزی‌هایش در این خطه است. او در زمان تریانوس به مقام استانداری (Praetor) استان آسیای رومی دست یافت (Church and Jackson 1962: vii-viii). نزدیکی محل خدمت او به مرزهای اشکانیان به اطلاعاتی که او در کتابش آورده است اهمیت می‌بخشد. البته، او مقام نایب‌کنسولی آسیا را در اواخر عمرش (احتمالاً ۱۱۲ میلادی) به‌دست آورد و در سال ۱۱۷ میلادی درگذشت. آثار تاریخی مهم تاکیتوس عبارت‌اند از: ۱. *گفت‌وگو و خطابه (Dialogus de Oratoribus)*؛ ۲. *درباره زندگی آگریکولا (De vita Iulii Agricola)*؛ ۳. *درباره منشأ ژرمن‌ها*؛ ۴. *تواریخ*؛ و ۵. *سال‌نامه‌ها*. سه کتاب نخست سه رساله کوتاه‌اند که پیش از دو کتاب مفصل سپسین به‌نگارش درآمده‌اند. کتاب اول نخستین اثر به‌جای‌مانده از اوست که براساس یک گفت‌وگوی خیالی بین افراد درباره زوال تدریجی فن سخن‌وری نوشته شده است.^۳ کتاب دوم شرح زندگی آگریکولا، پدرزن تاکیتوس، است که در حدود سال‌های ۹۷ تا ۹۸ میلادی نوشته شده است.^۴ کتاب سوم در حدود سال ۹۸ میلادی نگارش یافته است.^۵ برخی معتقدند که تاکیتوس این کتاب را به‌قصد مقایسه‌کردن فضیلت‌های قبایل بربر ژرمنی با رذایل رومی نوشته است (Martin 1981: 39-49). چنین دیدگاهی درباره کتاب *سال‌نامه‌ها* نیز وجود دارد (Keitel 1978: 463ff). دو کتاب *سال‌نامه‌ها* و *تواریخ* آثار مفصلی‌اند که بازه زمانی مرگ آگوستوس (Caesar Divi filius Augustus Imperator) (۳۸ پ.م - ۱۴ م) تا مرگ دو میتیانوس را در بر می‌گیرند.

کتاب *تواریخ* در حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ میلادی به‌نگارش درآمده است و تاریخ چهار امپراتور بعد از نرون تا زمان مرگ دو میتیانوس و آغاز حکومت فلاوین‌ها را به‌دست و سپازیانوس پوشش می‌دهد. ابتدای این اثر شرح وقایع آغاز سال ۶۹ میلادی، شش ماه پس

از مرگ نرون، است. اگر شکل اولیه و کامل کتاب را در نظر بگیریم، این اثر با شرح وقایع زمان مرگ دومیتیانوس در سال ۹۶ میلادی به پایان می‌رسد (Martin 1981: 104-105). از کتاب تواریخ که شامل چهارده مجلد بوده، فقط چهار عدد نخست به‌طور کامل و بخشی از کتاب پنجم باقی مانده است و وقایع آن در سال ۷۰ میلادی به پایان می‌رسد (Hughes-Warrington 2008: 334).

در *سال‌نامه‌ها* وقایع امپراتوری روم از سال ۱۴ تا ۶۷ میلادی، یعنی از زمان مرگ آگوستوس تا کشته‌شدن نرون، در شانزده کتاب نوشته شده است. از این کتاب به‌جز چهار کتاب (فصل) نخست و بخش‌هایی ناقص از کتاب‌های پنجم، ششم، یازدهم، و شانزدهم چیزی در دست نیست. مرگ آگوستوس و فرمان‌روایی تیبریوس شامل شش کتاب است که همه آن‌ها جز کتاب پنجم^۶ به‌صورت کامل باقی مانده است.^۷ کالیگولا (Gaius Julius Caesar Augustus Germanicus Caligula) (۳۷-۴۱ م) و کلودیوس (Tiberius Claudius) (۴۱-۵۴ م) در شش کتاب بعدی آمده است که از میان آن‌ها فقط آخرین کتاب، که بیش‌تر مربوط به فرمان‌روایی کلودیوس (۵۷ م) است، برجای مانده است. بازمانده‌های پایانی نیز شامل سه کتاب کامل و نیمه‌ای از یک کتاب (کتاب‌های سیزدهم تا شانزدهم) مربوط به سال‌های ۵۴ تا ۶۶ میلادی است و شرحی است از زمان به‌قدرت‌رسیدن نرون (Hughes-Warrington 2008: 336).

حدود هشتاد بند از این دو کتاب *تواریخ و سال‌نامه‌ها* کتاب‌هایی^۸ (فصولی) است که به مناسبات اشکانیان و رومیان مرتبط است.^۹ طبق شمارش ارهارد حدود هشت بند از این تعداد متعلق به کتاب *تواریخ تاکیتوس* است.^{۱۰} علت این‌که در کتاب *تواریخ اشارات* کم‌تری در مقایسه با اشکانیان وجود دارد این است که *تواریخ تاکیتوس* دربردارنده حکومت فلاوین‌ها (گالبا تا دمیتیانوس) است و در این دوران باوجود برخی تنش‌هایی که بین اشکانیان و رومیان پیش آمد، دو طرف در صلح بودند؛ بنابراین، در کتاب مطالب زیادی راجع به اشکانیان ذکر نشده است؛ به همین علت، حتی اگر تمامی مندرجات کتاب *تواریخ تاکیتوس* هم موجود می‌بود، باز هم حجم مطالب مربوط به روابط اشکانیان و رومیان آن بسی کم‌تر از آن‌چه می‌بود که در *سال‌نامه‌ها* در اختیار داریم (Ehrhardt 1998: 296).

سال‌نامه‌ها از نظر حجم مطالبی که در آن به تاریخ اشکانیان و روابط آنان با روم مرتبط است و گستره زمانی^{۱۱} و پراکندگی آن در کتاب‌ها اهمیت بسیاری دارد.^{۱۲} وقایع مربوط به اشکانیان در این بازمانده‌ها معاصر دوران چهار امپراتور رومی تیبریوس

(Tiberius Julius Caesar Augustus) (۱۴-۳۷ م)، کالیگولا، کلودیوس، و نرون است که مطالب آن‌ها را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱. رویدادهای سال نخست حکومت تیبریوس: پارتیان ونن اول (Vonones I) (۸-۱۲ م) پسر فرهاد چهارم (Phraates IV) (۳۷-۲ پم) را خلع کردند و اردوان (Artabanus) (۱۰-۳۵ م، ۳۶-۳۸ م) را به جای او به سلطنت می‌رسانند.^{۱۳} ونون در تبعید و در زمانی که تلاش داشت از تبعیدگاهش فرار کند به دست نگهبانانش کشته می‌شود (Tac. Ann. 2.1-4, 56-58, 68). ۲. وقایع پس از سال ۳۵ میلادی که اردوان بعد از مرگ ارتاشس (Artaxias III) (۱۳-۳۵ م)، پادشاه ارمنستان، تلاش می‌کند این کشور را تحت سلطه خود درآورد و پسر ارشد خود، ارشک (Arsaces I) (۳۵ م)، را به تخت می‌نشانند،^{۱۴} اما ارشک با توطئه فراسمن (Pharasmanes I) (۱-۵۸ م)، پادشاه ایبریا که در صدد بود برادرش مهرداد (Mithridates of Armenia) (۳۵-۳۷ م، ۴۲-۵۱ م) را به سلطنت ارمنستان برساند، به دست خادمانش کشته می‌شود. اردوان به قصد به سلطنت‌رساندن پسر دیگرش که ارد (Orodes) (۳۷-۴۲ م) نام دارد به ارمنستان حمله می‌کند، اما رومیان نیز به کمک پادشاه ایبریا می‌آیند و مبارزه به نتیجه‌ای برای اردوان منتهی نمی‌شود.^{۱۵} در همین حال، اردوان با شورش رعایایش روبه‌رو می‌شود که از جانب روم تحریک شده بودند. او به هیرکانیا و نزد سکاها می‌گریزد و نوه فرهاد چهارم به نام تیرداد (Tiridates) (۳۵-۳۶ م) با حمایت روم به تخت می‌نشیند.^{۱۶} (Tac. Ann. 6. 31-37). درابتدا، از تیرداد استقبال می‌شود، اما دیری نمی‌پاید که عده‌ای از اشراف به او پشت می‌کنند و به دنبال اردوان به هیرکانیا می‌روند تا از او دعوت کنند به پادشاهی برگردد. با پشتیبانی این اشراف سپاه عظیمی گرد می‌آید و به سوی تیسفون ره‌سپار می‌شود. سپاه تیرداد پراکنده می‌شود و بدون این‌که جنگی درگیرد اردوان دوباره بر تخت می‌نشیند و تیرداد به سوریه که سرزمین رومیان است می‌گریزد (Tac. Ann. 6. 41-44).^{۱۷} ۳. وقایع پس از سال ۴۷ میلادی که کشمکش بر سر ارمنستان بالا گرفته است. در وضعیتی که جنگ داخلی بین وردان (Vardanes I) (۴۱-۴۵ م) و برادرش گودرز (Gotarzes II) (۴۵-۵۱ م) درگرفته است، مهرداد، برادر فراسمن پادشاه ایبریا، به پشتیبانی رومیان هم‌چنان بر ارمنستان حکومت می‌کند. وردان سرانجام بر گودرز پیروز می‌شود، اما پس از مدتی ناراضیان از حکومتش در هنگام شکار او را به قتل می‌رسانند و گودرز پادشاه می‌شود. سپس، مخالفان گودرز نیز با رومیان مکاتبه می‌کنند و از آنان می‌خواهند پسری از ونون اول پسر فرهاد چهارم را به نام مهرداد (Mithridates) (۴۹-۵۰ م) به ایران بفرستند^{۱۸} تا با حمایت اشراف در مقابل گودرز

او را به سلطنت رسانند. این در اوضاع و احوالی است که هنوز مهرداد دیگری (برادر پادشاه ایبری) با حمایت روم ارمنستان را در اختیار دارد. مهرداد وارد ایران می‌شود و در جنگی که بین او و گودرز درمی‌گیرد گودرز پیروز می‌شود و گوش‌های مهرداد را می‌برد و او را به روم می‌فرستد. بعد از مدتی گودرز بر اثر بیماری می‌میرد و پس از او ونن دوم (Vonones II) (۴۵-۵۱ م) که پادشاه ماد بود، به حکومت می‌رسد. سلطنت او کوتاه است و به دنبال او پسرش، بلاش (Vologases I) (۵۱-۷۸ م) به سلطنت می‌رسد (Tac. Ann. 11. 8-10; 12.10-14). بلاش، که از طرف مادر یونانی بود، به علت کناره‌گیری دیگر برادرانش به حکومت ایران دست می‌یابد. در این زمان فراسمن که برادرش مهرداد را به سلطنت رسانده است چون عطش فرزندش، رادامیست (Rhadamistus) (۵۱-۵۳ م، ۵۴-۵۵ م)، را نسبت به سلطنت خود می‌بیند از بیم تاراج تاج و تختش شاه‌زاده را اغوا می‌کند که سلطنت ارمنستان را از عمویش بگیرد و به جای او بر تخت نشیند (Tac. Ann. 12. 44).^{۱۹} این اختلاف بین پادشاه ایبری و ارمنستان برای بلاش فرصتی برای حمله به ارمنستان پیش می‌آورد. در جنگی که بین رادامیست و بلاش درمی‌گیرد رادامیست شکست می‌خورد، به دربار پدرش در ایبری می‌گریزد، و همسرش به دست تیرداد (سلطنت به‌طور رسمی ۶۶-۸۸ م) برادر بلاش و پادشاه جدید ارمنستان می‌افتد که با او با احترام رفتار می‌شود (Tac. Ann. 12. 49-51).^{۲۰}

۴. مسئله ارمنستان در این زمان به جنگ بین بلاش و نرون می‌انجامد. طرفین سرانجام تن به صلح می‌دهند و قرار بر این می‌شود که پادشاه ارمنستان از آن پس از خاندان تیرداد، برادر بلاش، انتخاب شود، ولی حکومت او را رومیان تنفیذ کنند. به این ترتیب، تیرداد، برادر بلاش، با عنوان «نخستین پادشاه اشکانی ارمنستان» به روم می‌رود و تاج پادشاهی را از نرون تحویل می‌گیرد. آخرین خبری که در سال‌نامه درباره این وقایع آمده است ورود تیرداد به روم است و وقایع استقبال از تیرداد در روم را کاسیوس دیو به آگاهی ما رسانده است (Dio. 63. 1ff).

۳.۲ نقد شکلی اثر

سال‌نامه‌های تاکیتوس بارها با تعلیقات عالمانه به انگلیسی ترجمه شده است. از جمله:

Murphy²¹ 1830; Ramsay 1904-1909; Furneaux²² 1906-1907; Peterson, Moore and Jackson²³ 1937; Church and Brodribb 1942; Grant 1968; Allen 1890²⁴; Symonds 1906²⁵; Long 1872.

تاکنون هیچ‌کدام از کتاب‌های تاکیتوس به فارسی بازگردانده نشده است و ترجمه نادر میرسعیدی فقید نیز فقط منتخبی از کتاب‌های بازمانده تاکیتوس در *سال‌نامه‌ها* را شامل می‌شود که طبق صلاح‌دید او از بخش‌هایی که مربوط به تاریخ اشکانیان بوده استخراج شده است. باوجوداین که در مقدمه اشاره‌ای نشده که ترجمه فارسی میرسعیدی از روی کدام ترجمه انگلیسی کتاب انجام شده است، عنوان انگلیسی درج‌شده در جلد کتاب معلوم می‌دارد که کتاب مرجع میرسعیدی همان ترجمه چرچ و برودریب از *سال‌نامه‌ها* است که در مجموعه الکترونیکی و آن‌لاین Classical Wisdom Weekly منتشر شده است.^{۲۶} باتوجه‌به این‌که این مجموعه چاپ کاغذی ندارد، می‌توان دریافت که چرا مترجم ارجاع مستقیم و روشنی به منبع مورداستفاده خود نداده است.^{۲۷} باوجوداین‌که نکات ویرایشی‌ای چون نیم‌فاصله‌ها در مواردی رعایت نشده است، در مجموع، می‌توان این اثر را از نظر نگارشی، صفحه‌آرایی، و طراحی جلد موردقبول ارزیابی کرد.

۴.۲ نقد و تحلیل روش‌شناسی اثر

پیش‌تر اشاره شد که مطالب مربوط به اشکانیان در *سال‌نامه‌ها* در کتاب‌های دوم، ششم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، و شانزدهم پراکنده‌اند. میرسعیدی از ۸۸ بند کتاب دوم *سال‌نامه‌ها* بندهای ۱ تا ۴، ۵۶، ۵۸، ۶۸، از ۵۱ بند کتاب ششم بندهای ۳۱ تا ۳۷ و ۴۱ تا ۴۴، از ۳۸ بند کتاب یازدهم بندهای ۸ تا ۱۰، از ۶۹ بند کتاب دوازدهم بندهای ۱۰ تا ۱۴، ۱۴، ۴۴، و ۴۹ تا ۵۱، از ۵۸ بند کتاب سیزدهم بندهای ۶ تا ۹ و ۳۴ تا ۴۱، از ۶۵ بند کتاب چهاردهم بندهای ۲۳ تا ۲۶، از ۷۴ بند کتاب پانزدهم بندهای ۱ تا ۱۸ و ۲۴ تا ۳۱، و از ۳۵ بند کتاب شانزدهم بند ۲۳ را ترجمه کرده است. همان‌طور که ذکر شد، ترجمه میرسعیدی معطوف‌به موارد مربوط به تاریخ اشکانیان است و بخش‌های نامربوط در ترجمه او حذف شده است. این موارد می‌تواند شامل تاریخ ارمنستان و ایبری نیز باشد که ارتباط زیادی با تاریخ اشکانیان دارد و حذف بندهای مربوط به آن‌ها ممکن است باعث سردرگمی خواننده در تعقیب رویدادها شود. اما نگارندگان مقاله فقط در جایی که متوجه گسستی بین سیر روایی ترجمه میرسعیدی از تاریخ اشکانیان در *سال‌نامه‌ها* شدند در کتاب دوازدهم بود؛ جایی که پس از اتمام بند ۴۴، مترجم دنباله داستان را از بند ۴۹ پی می‌گیرد. در بند ۴۴ داستان در جایی به‌اتمام می‌رسد که فراسمن، پادشاه ارمنستان، متوجه می‌شود که فرزند پهلوانش، رادامیست، رؤیای جانشینی زودهنگام او را دارد؛ بنابراین، برای این‌که خطر

کودتا را از حکومت خود دور کند، او را اغوا می‌کند که به ارمنستان حمله برَد. نگارندگان خاطر نشان می‌سازند که کتاب *سال‌نامه‌ها* را به‌طور کامل و دقیق نخوانده‌اند و در نتیجه، علمشان به موارد مربوط به اشکانیان در کتاب *سال‌نامه‌ها* متکی به اطلاعات شخصی نیست؛ اما نوربرت ارهارد در مقاله‌ای بندهای مربوط به اشکانیان را در *سال‌نامه‌ها* استخراج و معرفی کرده است.^{۲۸} بندهایی که او در پژوهش خود آورده (Ehrhardt 1998: 296) دقیقاً منطبق بر مواردی است که میرسعیدی ترجمه کرده است، به‌جز چهار بند ۴۵ تا ۴۸ در کتاب دوازدهم که در ترجمه میرسعیدی نیست. این همان بخشی است که از نظر نگارندگان این سطور روند داستان را در ترجمه میرسعیدی دچار سگته کرده است. نگارندگان ذکر این نکته را ضروری می‌دانند که تمامی بخش‌هایی را که میرسعیدی ترجمه کرده است با اصل انگلیسی آن‌ها مقایسه نکرده‌اند، اما با توجه به این که میرسعیدی در پایان بند ۴۴، ابتدای بند ۴۹ از کتاب دوازدهم، پایان بند ۶، آغاز بند ۳۴، پایان بند ۴۱ از کتاب سیزدهم، پایان بند ۱۸ از کتاب پانزدهم، و پایان بند ۲۳ از کتاب شانزدهم به نشانه افتادگی جملات پیشین یا جملات پسین از «سه نقطه» استفاده کرده است، تصمیم گرفتند تا یکی از این بندها را انتخاب کنند و با اصل انگلیسی آن مطابقت دهند. بدین منظور، بند ۲۳ از *سال‌نامه* انتخاب شده است که اصل انگلیسی آن و ترجمه میرسعیدی چنین است:

23 As to Barea Soranus, the Roman knight, Ostorius Sabinus, had already claimed him for his own, in a case arising from Soranus' proconsulate of Asia; during which he increased the emperor's malignity by his fairness and his energy, by the care he had spent upon clearing the harbour of Ephesus, and by his failure to punish the city of Pergamum for employing force to prevent the loot of its statues and paintings by the Caesarian freedman, Acratus. But the charges preferred were friendship with Plautus and popularity-hunting in his province with a view of the winning it for the cause of revolution. The time chosen for the condemnation was the moment when *Tiridates was on the point of arriving to be invested with the crown of Armenia*; the object being that, with public curiosity diverted to foreign affairs, domestic crime might be thrown into shadow, or, possibly, that the imperial greatness might be advertised by the royal feat of slaughtering illustrious men.

بند ۲۳- تیرداد برای دریافت سلطنت ارمنستان در راه بود ...

هرچند بدون مقایسه تمامی بخش‌های ترجمه‌شده با متن انگلیسی نمی‌توان حکمی کلی صادر کرد، از آنجایی که در این بخش ترجمه از اواسط متن آغاز شده است، بهتر می‌بود در

آغاز جمله «سه نقطه» آورده شود تا خواننده دریابد که ترجمه از آغاز متن صورت نگرفته است. با وجود این که ترجمه نیز دقیق نیست، اما این کاستی قابل اغماض است؛ زیرا می‌توان چنین توجیه کرد که مترجم قصد داشته جمله ناقص متن را به صورت کامل و قابل فهم به خواننده ارائه کند. نگارندگان در اواسط نگارش این نقد، وقتی متوجه افتادگی بندهای ۴۵ تا ۴۸ کتاب دوازدهم شدند^{۲۹} تصمیم گرفتند تا مضامین این چهار بند را به کار بيفزایند تا هم درودی باشد به روان این مترجم و پژوهش‌گر فقید که سال‌ها در عرصه مطالعات ایرانی تلاش کرده است و هم کار او را در این مقاله مختصر تکمیل کرده باشند.^{۳۰} بخش‌های حذف‌شده از بندهای مربوط به ایران^{۳۱} در کتاب دوازدهم تاکیتوس در ترجمه میرسعیدی: بند ۴۴- (ترجمه این بند در کتاب میرسعیدی کامل نیست).

در همان سال جنگی بین ارمنیان و ایبرایی‌ها درگرفت که به ایجاد تنش جدی بین پارتیان و رومیان منجر شد. حکومت پارتیان اکنون در اختیار بلاش بود. او که از طرف مادر حرام‌زاده‌ای یونانی بود با رضایت برادران به تاج پادشاهی رسید. فراسمن از مدت‌ها پیش پادشاه ایبری بود. در ارمنستان، با حمایت ما، برادرش، مهرداد، حکومت می‌کرد. فراسمن پسری داشت به نام رادامیست که بلندقد و خوش‌هیکل بود و به داشتن قدرت بدنی نیز شهره بود و در مسابقات ملی نام‌آور بود و برای همسایگان نیز در حد اعلی شناخته شده بود. این موضوع را که پادشاهی بی‌مقدار ایبری، به دلیل دل‌بستگی پدرش به زندگی، از او دور مانده بود به‌طور مداوم و مؤکد ابراز می‌کرد. بنابراین، فراسمن از بیم هم‌راه‌شدن قدرت و سپاه با این جوان و هم‌دلی کشور، که او سال‌ها پیش از دست داده بود، بلندپروازی‌های او را معطوف ارمنستان کرد که پس از اخراج پارتیان آن سرزمین را خودش در اختیار مهرداد گذاشته بود. به او گفت ترجیحاً باید صبر کرد و با کمی تدبیر می‌توان مدافعان را از او دور ساخت. رادامیست پس از آن با قطع رابطه ساختگی از پدرش به‌بهانه این که نمی‌تواند نفرت نامادری‌اش را نسبت به خود تحمل کند راهش را کشید و به نزد مهرداد رفت که به‌نحو عجیبی مهربانانه چون فرزند خود با او رفتار می‌کرد. او در وضعیتی به توطئه‌چینی در میان اشراف برای شورش علیه مهرداد مشغول شد که روزبه‌روز بر عزت‌ش نزد وی [عمو] افزوده می‌شد.

بند ۴۵:

او قیافه آشتی‌جویانه‌ای به خود گرفت و به نزد پدر بازگشت با این خبر که آن‌چه را می‌بایست با نیرنگ انجام می‌شد، انجام داده است و اینک زمان دست‌بردن بر شمشیر است. در این زمان، فراسمن دستاویزی برای اعلان جنگ یافت؛ چون طی درگیری با

پادشاه آلبانی، مهرداد از درخواست کمک از رومی‌ها امتناع ورزیده بود، اینک فراسمن درصدد گرفتن انتقام بابت خسارتی بود که برادرش به او زده بود. سپس، به پسرش سپاه بزرگی داد و او در حمله‌ای غافل‌گیرانه مهرداد را در جلگه شکست داد و مجبورش کرد به گرنیا (Gorneae)، قلعه‌ای که با طبیعتش و یک پادگان تحت فرماندهی فرمانده کایلوس پولیو (Caecilius Pollio) و افسر کاسپریوس (Centurion Casperius) به شدت حفاظت می‌شد، پناه برد. بربرها از ادوات نظامی و شگردهای محاصره، رشته‌ای که کاملاً برای ما شناخته شده است، هیچ نمی‌دانند. پس از چندین حمله عقیم یا شکست‌خورده به قلعه، رادامیست محاصره را آغاز کرد. چون حمله دفع شد، او درصدد برآمد پولیو را با رشوه تطمیع کند؛ هرچند کاسپریوس به حیف و میل کردن (تباه کردن) هدیه مردم روم برای سرنگونی ناحق یک پادشاه متحد و ارمنستان اعتراض کرد، اما سرانجام پولیو کثرت نیروهای دشمن و رادامیست دستورات پدرش را بهانه کردند، کاسپریوس که دستور متارکه را صادر کرده بود محل را ترک کرد با این هدف که اگر نتواند فراسمن را از پی‌گیری جنگ منصرف کند، امیدوس کادراتوس (Ummidius Quadratus) فرمان‌دار سوریه را از وضعیت ارمنستان آگاه سازد.

بند ۴۶:

با خروج افسر، فرمانده خود را از دست «زندان‌بان» آزاد دید و مهرداد را تشویق کرد تا قرارداد را بپذیرد. او روی پیوند برادری و برتری سنی فراسمن و دیگر برتری‌های پادشاه تأکید کرد. در واقع، او (مهرداد) با دختر برادرش ازدواج کرده بود و پدرزن رادامیست (father-in-law of Radamistus) بود. او (فرمانده) گفت: «گرچه ایبرایی‌ها در حال حاضر گروه قدرتمندی هستند، اما بی‌میل به صلح نیستند. او (مهرداد) به اندازه کافی با خیانت ارمنیان آشنایی دارد و تنها پناهگاه او یک قلعه با آذوقه ناکافی است. نباید به او (رادامیست) اجازه داد که جنگی با سرانجام نامشخص را به توافق بدون خونریزی ترجیح دهد!» مهرداد درباره مشاوره‌های فرمانده شک و تردید داشت، زیرا او (فرمانده) با یکی از زنان حرم مهرداد هم‌بستر شده بود و برای رسیدن به ثروت حاضر بود به هر پستی و شرارتی تن دهد. کاسپریوس همین که نزد فراسمن رسید از او خواست که ایبرایی‌ها به محاصره خاتمه دهند. پاسخ‌های پادشاه به ظاهر گنگ و آشتی‌جویانه بود، ولی به صورت مخفیانه به پسرش، رادامیست، پیغام می‌فرستاد که با توسل به هر راهی به محاصره سرعت دهد. به این ترتیب، بر خیانت افزوده شد. پولیو با پرداخت رشوه نیروها را واداشت تا تهدید کنند که باید صلح صورت پذیرد، وگرنه پست‌هایشان را ترک خواهند کرد. مهرداد که دید چاره‌ای ندارد محل و روز تعیین شده را برای عقد قرارداد پذیرفت و قلعه را ترک کرد.

بند ۴۷:

اولین اقدام رادامیست این بود که خود را در آغوش مهرداد افکند و او را پدرزن و پدر خود خواند. سپس، او قسم یاد کرد که نه با فولاد (شمشیر) و نه با زهر به او آسیب نخواهد رساند. بعد او را به پیشه‌ای که در آن نزدیکی بود کشاند و گفت که قرار است در آن‌جا مراسم قربانی برپا شود تا پس از این‌که قرارداد صلح بین آن‌ها منعقد شد، خدایان شاهد این پیمان باشند. مراسم بین دو پادشاه برای بستن پیمان چنین است که دست راست خود را به هم می‌بندند و انگشتان را در هم گره می‌زنند و در جای گره‌خورده فشار وارد می‌کنند. وقتی اندام پر خون شد، با برش کوچکی راه خروج خون را باز می‌کنند (نیستری می‌زنند) و هریک از شاه‌زادگان به‌نوبت از آن خون می‌مکند. چون این پیوند با خون طرفین بسته می‌شود گویی قداست و حرمتی اسرارآمیز دارد؛ اما در این مورد خاص شخصی که مأمور انعقاد این بندها بود تمارض کرد که در حال سُرخوردن (افتادن) است. مهرداد را در زیر زانوانش گرفتار کرد و به خاک افکند. در همان لحظه، عده‌ای از مردان دویدند و او را به غل‌وزنجیر کشیدند. سپس، او را با زنجیر کشان‌کشان بردند که برای یک بربر نهایت خفت است. دیری نپایید تا مردم عامی که او با سخت‌گیری بر آن‌ها فرمان‌روایی کرده بود، با حالتی تهاجمی به او فحاشی کردند. درمقابل، کسانی هم به بخت‌برگستگی او تأسف خوردند. همسرش که هم‌راه فرزندان‌ش به دنبال او روانه بود آن‌جا را از فرط ضجه روی سرش گذاشته بود. زندانیان در مکان‌های جداگانه تحت‌نظر قرار گرفتند تا دستورات بعدی فراسمن صادر شود. برای او تاج و تخت مهم‌تر از برادر یا دخترش بود (مراد در این‌جا هم‌خون است) و طبق عادت نیز در انجام جنایت شتاب‌زده بود. او خاطرنشان کرد که آنان را در حضورش نکشند و ظاهراً برای این‌که به سوگندش وفادار بماند و نه از شمشیر و نه از زهر استفاده نکند خواهر و عمویش را به خاک افکند و روی آن‌ها را با لباس‌های سنگین چنان پوشاند که در زیر آن مدفون و خفه شدند. پسران مهرداد نیز به جرم این‌که برای قتل پدر و مادرشان اشک ریخته بودند سلاخی شدند.

بند ۴۸:

به کادراتوس خبر رسید که به مهرداد خیانت شد و پادشاهی‌اش به قاتلان او رسید. شورایش را تشکیل داد و آنچه که اتفاق افتاده بود را مطرح کرد و نظر آنان را درباره اقدامات تلافی‌جویانه جویا شد. برخی اعضا نگران شرافت ملی بودند، اما بیش‌تر آنان احساس رضایتشان از این اتفاق را ابراز کردند. «جنایت‌کاری بیگانگان با ابراز شعف هم‌راه بود. این جنایت هم‌چنین از جهت کاشتن بذر نفرت خیلی خوب بود. با همین

قاعده امپراتوران روم برای تهییج اذهان بربرها با تظاهر به سخاوت‌مندی ارمنستان را چندمرتبه واگذار کرده بودند. اجازه دهید رادامیست به‌بهای تنفر و ننگ تا مدت‌ها دستاوردهای شرم‌آور خود را حفظ کند. برای روم این‌گونه بهتر است که چنین دستاوردهایی را با شکوه و افتخار کسب کند». این نظر تصویب شد، اما برای ممانعت از ایجاد ذهنیتی که روم از این جنایت رضایت دارد، درحالی‌که دستوره‌های امپراتوری چیز دیگری بوده است، پیغامی صوری برای فراسمن پادشاه گرجستان فرستادند و از او خواستند ارمنستان را تخلیه کرده و پسرش را از سلطنت ارمنستان خلع کند.

بند ۴۹- (ترجمه این بند در کتاب میرسعیدی کامل نیست).

عامل (procurator) رومیان در کاپادوکیه شخصی به‌نام جولوس پایلیگنوس (Julius Paelignus) بود. او شخصی به‌غایت پست، احمق، با هیکللی مضحک بود که درعین حال روابط صمیمانه‌ای با کلودیوس داشت و درطول سال‌های بازنشستگی به تن‌آسایی درکنار انجمن دل‌فکان مشغول بود. پایلیگنوس نظامیان استان را فراخواند تا به بازپس‌گیری ارمنستان اقدام کند؛ اما زمانی که او غارت متحدان را به برخورد با دشمن ترجیح داد، گروه‌های زیرنظر او از هم جدا شدند و وی را در مقابل بربرهای مهاجم بی‌دفاع گذاشتند. او به‌ناچار به رادامیست پناه برد و از هدایایی که به او اعطا شد چنان به وجد آمد که پیش‌نهاد داد نشان‌های سلطنتی به رادامیست اعطا شود و به او در برگزاری مراسم تفویض قدرت کمک کرد. اخبار این اتفاق ننگین همه‌جا پخش شد. برای این‌که همه فرمان‌داران رومی با متر و معیار پایلیگنوس قضاوت نشوند، هلویدیوس پریسکوس (Helvidius Priscus) به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار با یک لژیون راهی شد تا در صورتی‌که لازم باشد اوضاع آشفته را سروسامان بخشد و وضعیت نامناسب پیش‌آمده را حل و فصل نماید. او به‌سرعت از کوه تاروس عبور کرد و به‌جای استفاده از زور با توسل به میانه‌روی، مجدداً نظم را برقرار ساخت. مدتی بعد به وی دستور بازگشت به سوریه داده شد تا مبادا وارد درگیری و جنگ با اشکانیان شود.

۳. نتیجه‌گیری

اهمیت سال‌نامه‌ها بر پژوهش‌گران عصر اشکانی پوشیده نیست. ترجمه میرسعیدی، درجایگاه یک کتاب راه‌نما، فزون‌بر آشناساختن علاقه‌مندان و دانش‌جویان با یکی از منابع مهم تاریخ اشکانی، فرصتی را فراهم ساخته است تا پژوهش‌گران ایرانی این دوره تاریخی با استفاده از کتاب او به‌منزله یک فهرست موضوعی بخش‌های مربوط به دوره اشکانی بتوانند بدون اتلاف وقت در متون لاتینی سال‌نامه‌ها مطالب مربوط به اشکانیان را بازیابند. به‌نظر نگارندگان، با

این که ترجمه میرسعیدی نیز هم چون هر نوشته و ترجمه دیگری کاملاً از کاستی مبرا نیست، اقدام او برای ترجمه متن، به خصوص برای دانش‌آموزان و کسانی که به‌تازگی وارد عرصه مطالعات ایرانی شده‌اند مفید و ستودنی است. امروز که میرسعیدی در میان ما نیست آثار برجای مانده از او نامش را زنده نگاه می‌دارد. این همان مسیری است که بایستی طی شود: «بکاشتند و بخوردیم و کاشتیم و خوردند - چو بنگری همه برزیگران یک‌دگریم».

پی‌نوشت‌ها

۱. منابع نام کوچک او را متفاوت ذکر کرده‌اند (Church and Jackson 1962: viii).
۲. اعتمادالسلطنه ۱۳۷۱: ۶۰۳-۶۱۵.
۳. چهارچوب این اثر براساس الگوی آثار سیسرون شکل گرفته است. سه سخن‌ور شناخته‌شده آن دوران ماترنوس (Curiatius Maternus)، اپر (Aper Secundus)، و مسالا (Gaius Vipstanus Messalla) (Gallus) (۱۰پم-۶۰ م) با هم بحث می‌کنند (Mason and Fearenside 1891: ix-x). کتاب ۴۲ بند دارد. درابتدا، اپر و ماترنوس درباره فن سخن‌وری و شعر مباحثه می‌کنند (Tac. Dial. 5-13)، سپس، این دو ویژگی‌های سخن‌وری را در زمان معاصر و باستان با هم مقایسه می‌کنند (Tac. Dial. 14-27). درپایان، مسالا و ماترنوس (Tac. Dial. 28-42) نتیجه می‌گیرند که سخن‌وری در زمان معاصر به قهقرا رفته است. به نظر مسالا، این افول ناشی از کاهش ارزش‌های اخلاقی و معیارهای آموزشی است، درحالی‌که ماترنوس معتقد است سخن‌وری در جایی رشد می‌یابد که جامعه در وضعیت بی‌ثبات سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است و با تمرکز قدرت در دست امپراتور و دیکتاتوری دیگر فضایی برای ابراز عقیده و سخن‌وری در اختیار سخن‌ور قرار نمی‌گیرد که در این فن پیشرفت کند. از کل این مباحث می‌توان دریافت که این اثر فقط اثری ادبی نبوده، بلکه در آن تلاش شده است که تحولات سیاسی و اثرات آن بررسی شود (Hughes-Warrington 2008: 334).
۴. این رساله یک مقدمه و ۴۶ بند دارد. رساله با جزئیات تولد آگریکولا اوایل زندگی و دوران تحصیلی (Tac. Agr. 1-3) و فعالیت‌های سیاسی‌اش تا زمان انتصابش به حکومت بریتانیا (Tac. Agr. 4-9) آغاز می‌شود. بندهای بعدی شرح تاریخ عملیات نظامی روم در بریتانیا و موفقیت‌های اداری و اجرایی آگریکولا است (Tac. Agr. 30-34). در پایان کتاب آخرین سال‌های زندگی آگریکولا بررسی شده است (Tac. Agr. 44-46). با این‌که در این کتاب هدف شرح زندگی آگریکولا بوده است، اما به موضوع‌های قوم‌شناسی و تاریخی نیز اشاره شده است؛ مثلاً بندهای ۱۲ تا ۱۴ درباره تاریخ، قوم‌شناسی، و جغرافیای بریتانیا است. الگوی روایی‌ای که او به‌کار برده بسیار شبیه روش هرودوت در تواریخ است (Hughes-Warrington 2008: 332-333).

۵. کتاب شامل ۴۶ بند است و با توصیف سرزمین‌ها، قوانین، و آداب و رسوم ژرمن‌ها آغاز می‌شود (Tac. Ger. 1-27). آن‌ها فقط با یک زن ازدواج می‌کنند و زنا در بین آن‌ها به ندرت اتفاق می‌افتد (Tac. Ger. 18-19). قوانین خانواده و تدبیر منزل و تربیت فرزند و برده‌داری (Tac. Ger. 20-28)، مردمان، شهرها، برخوردهایی که رومیان در جنگ و صلح با آنان داشته‌اند، خدایانی که این اقوام می‌پرستند، پادشاهان و نسب آنان در میان یک‌به‌یک اقوام با اشاره دقیق به موقعیت بخش‌های مختلف سرزمین‌های ژرمنی بررسی می‌شود (Tac. Ger. 29-46).

۶. بخش‌های پس از ۲۶ آگوست سال ۷۰ میلادی در کتاب پنجم مفقود است.

۷ کتاب اول شامل شرح خلاصه‌ای است درباره دوره فرمانروایی گالبا، گزینش پیسولیسیانوس (Piso Licianus) به جانشینی او، شورش‌هایی که موجب مرگ گالبا و پیسوس شد، و نتیجه آن که به قدرت رسیدن اتون بود (Tac. His. 1. 5-49). در پایان، اشاره می‌شود که شورش‌هایی هم در ژرمنی برپا شد. ویتلیوس، فرمانروای آن‌ها، خود را امپراتور نامید و این لژیون‌ها به سوی ایتالیا پیش‌روی کردند و اتون برای جلوگیری آنان قوای خود را بسیج کرد (Tac. His. 1. 50, 90-93).

در کتاب دوم بازیگر دیگری به نام وسپازیانوس وارد صحنه درگیری‌ها می‌شود و تاکیتوس شرحی درباره او دارد. در ایتالیا جنگ اتون و ویتلیوس به شکست و خودکشی اتون می‌انجامد و ویتلیوس به‌طور موقت امپراتور می‌شود، اما از جانب مدعی دیگری به نام وسپازیانوس که حکومت مصر و سوریه را در اختیار داشت تهدید می‌شود (Tac. His. 2. 11-50).

در کتاب سوم در بحبوحه جدال طرفداران وسپازیانوس و طرفداران ویتلیوس، شخص اخیر در میان گروهی از شورشیان گرفتار شده و کشته می‌شود و در این جدال وسپازیانوس پیروز می‌شود.

کتاب چهارم و باقی‌مانده کتاب پنجم تاریخ حکومت وسپازیانوس تا سال ۷۰ میلادی است. در این بخش به شرح شورش در گل و ژرمانیا به سرکردگی کلودیوس سیویلیس (Claudius Civilis) و جنگ با یهودیان در فلسطین با فرماندهی وسپازیانوس و پسرش، تیتوس، اشاره می‌شود.

۸. در متون کلاسیک یونانی و رومی معمولاً «فصل» را «کتاب» می‌نامند.

۹. در کتاب درباره منشأ ژرمن‌ها نیز به اشکانیان اشاره شده است و در کنار دیگر دشمنان رومیان از اشکانیان به‌منزله خطرناک‌ترین دشمنان روم نام برده شده است؛ هرچند گفته می‌شود که چون ژرمن‌ها برای نجات زندگی خود می‌جنگیدند حتی از اشکانیان هم خطرناک‌تر بودند (Tac. Ger. 37).

۱۰. نگارندگان در جست‌وجوی شان هفت بند مربوط به اشکانیان را یافتند: در آغاز کتاب تاکیتوس اشاره می‌کند آن بخش از تاریخ که او دست به نگارش آن زده است دوران پرتلاطمی است و «حتی پارتیان هم در مواجهه با اعمال فریب‌کارانه نرون برضد رم اردو کشی کردند» (Tac. His. 1. 2). گفته می‌شود که در زمان ویتلیوس همه مناطق امپراتوری در

امن و امان است و در جریان برخوردها با پارتیان موفقیت‌هایی به دست آمده است (Tac. His. 2. 6). در جریان جنگ و سپازیانوس و تیتوس با یهودیان سفیرانی نزد ارمینان و پارتیان فرستاده شدند (Tac. His. 2. 82). یکی از افسران تحت فرمان و سپازیانوس به نام Dillius Aponianus روایت می‌کند که سپاهیان رومی چگونه در زمان مارکوس آنتونیوس در پارت و در زمان کوریولو در ارمنستان پیروزی به دست آوردند (Tac. His. 3. 24). در بخش مربوط به ویرانی اورشلیم به دست تیتوس آمده است که در زمان آنتیوخوس چگونه او سعی کرد عقاید یهودیان را از بین ببرد و هلنیسم را رواج دهد، اما جنگ با پارتیان اجازه تحقق این هدف را نداد. در آن زمان ارشک طغیان کرد و پس از آن نیز با توجه به این که قدرت مقدونی‌ها کاهش یافت و پارتیان هم هنوز دارای قدرت کافی نبودند، یهودیان خود پادشاهشان را انتخاب کردند (Tac. His. 5. 8).

در جریان جنگ‌های داخلی (بین مارک آنتونی و سزار) زمانی که استان‌های شرقی روم به دست مارک آنتونی افتاده بود، شاهزاده پاکور (فرزند فرهاد چهارم) یهودا (فلسطین) را اشغال کرد، اما توسط پوبلیوس ونتیدوس (Publius Ventidius) کشته شد و پارتیان به سمت فرات عقب‌نشینی کردند (Tac. His. 5. 8).

به یک پیش‌گویی در کتاب‌های مقدس یهودیان اشاره شده است که طبق آن هنگامی که شرق قوی شود (یعنی اشکانیان در دوران و سپازیانوس) مردی از یهودا جهان را تصاحب خواهد کرد (Tac. His. 5. 9). گویا در این زمان روابط اشکانیان و سپازیانوس به تیرگی می‌گراید و پاکور، پادشاه ماد برادر بلاش اول پارتی، آماده حمله به روم می‌شود و این خبر موجب تحریک یهودیان دوست‌دار اشکانیان در فلسطین می‌گردد و شورش‌هایی در این منطقه درمی‌گیرد که به ویرانی کامل اورشلیم به دست تیتوس، پسر و سپازیانوس، منجر می‌شود (Wolski 1993: 173).

۱۱. از سال ۲ تا ۶۶ میلادی.

۱۲. مطالب مربوط به اشکانیان در *سال‌نامه‌ها* در کتاب‌های دوم، ششم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، و شانزدهم پراکنده است.

۱۳. درباره این که این اردوان را باید اردوان دوم یا سوم یا حتی چهارم بدانیم بحث‌های بسیاری در گرفته است. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به Wolski 1962-1993: 58-66; Wolski 1996; Assar 2001; Assar 2004; Assar 2005; Assar 2006 a; Assar 2006b; Assar 2008; Assar 2009; Assar 2011; رضاخانی ۱۳۸۸.

۱۴. تاکیتوس پیش‌تر تاریخچه‌ای از پادشاهان از زمان ارتوازد (Artavasdes II) (۵۴-۳۴ پم) که مارک آنتونی (Marcus Antonius) (تولد ۸۳ پم، مرگ ۳۰ پم) او را به زنجیر کشید ارائه کرده است. پس از ارتوازد پسر او، ارتاشس دوم (Artaxias II) (۳۳-۲۰ پم)، به علت ظلم‌هایی که رومیان به پدرش کرده بودند جانب اشکانیان را می‌گیرد، اما با خیانت خویشاوندانش کشته

می‌شود. قیصر تیگران سوم (Tigranes III) (۲۰-۱۰ پم) را برای پادشاهی به ارمنستان می‌فرستد ولی نه تیگران و نه فرزندانش نمی‌توانند مدت زیادی سلطنت کنند. در زمان قیصر آگوست ارتاوازد (Artavasdes) از سوی رومیان به پادشاهی ارمنستان انتخاب می‌شود، اما با شورش در ارمنستان این پادشاه نیز خلع می‌شود و رومیان آریوبرزن (Ariobarzanes II) (۲ پم-۴ م) را که نسب مادی دارد، می‌آزمایند. پس از مرگ این پادشاه در یک حادثه، ارمنیان باز هم هیچ‌یک از فرزندان او را برای حکومت نمی‌پسندند و زنی به‌نام اراتو (Erato) (۶-۱۲ م) را به پادشاهی برمی‌گزینند. سپس، آنان ونن را که مدعی سلطنت ایران بود و مدتی نیز در ایران سلطنت کرده بود، اما به‌دست اردوان از پادشاهی رانده شده بود و در تبعید به‌سر می‌برد به پادشاهی برمی‌گزینند (۱۲ م) و این چیزی نبود که برای اردوان تحمل‌پذیر باشد (Tac. Ann. 2. 3-4)؛ بنابراین با فشار اردوان، ارمنیان با حمایت روم یکی از شاهزادگان اهل پونت به‌نام زنو (Zeno) پسر پولمون شاه پونت (Polemon II of Pontus) (۳۸-۶۴ م) را به پادشاهی انتخاب می‌کنند و به او عنوان شاه ارتاشس (Artaxias III) (۱۳-۳۵ م) را می‌دهند (Tac. Ann. 2. 4-56).

۱۵. مهرداد در پایان دوره اول حکومت خود (۳۷ م)، به‌دلایل نامشخص به فرمان کالیگولا دست‌گیر می‌شود و فرصتی فراهم می‌آید تا ارد به ارمنستان برگردد و در این سرزمین حکومت کند (۳۷-۴۲ م). در سال ۳۷ میلادی ارد به‌دست ارمنیان و با کمک امپراتور کلودیوس خلع می‌شود و مهرداد به حکومت مجدد دست می‌یابد (۴۲-۵۱ م) (Chaumont 1979: 89-90).

۱۶. بسته به این‌که تیرداد اول اشکانی (۲۴۷-۲۱۱ پم؟) پادشاه شده باشد یا نه، تیرداد مورد بحث تیرداد دوم یا سوم خواهد بود. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به ارجاعات یادشده در پانویست ۳۰.

۱۷. دوره سپسین که مربوط به دوران حکومت امپراتور گایوس (کالیگولا) و شش سال نخست حکومت کلودیوس بوده جزو کتاب‌های مفقود هفتم تا یازدهم است.

۱۸. گوتشمید این مهرداد را مهرداد پنجم (von Gutschmi 1888: 127) دانسته است.

۱۹. چهار بند سپسین متن در ترجمه میرسعیدی حذف شده است، اما در متن اصلی موجود است که چگونه و با چه توجیهی فراسمن پسرش، رادامیست، را علیه مهرداد روانه جنگ می‌کند و رادامیست بر ارمنستان مسلط می‌شود.

۲۰. بن‌مایه مشترک این داستان و داستان بیژن و اسپینوی در شاهنامه مورد توجه پژوهش‌گران در حوزه مطالعات ایرانی قرار گرفته است (Coyajee 1936: 199-204).

۲۱. سه جلد نخست سال‌نامه با ترجمه مورفی است.

۲۲. کتاب فورنو با تجدیدنظر پلهم و فیشر دوباره چاپ شده است.

۲۳. این کتاب پنج‌جلدی مشتمل بر مجموعه آثار تاکیتوس است که جلد دوم، سوم، و چهارم آن مشتمل بر سال‌نامه‌های تاکیتوس است و ترجمه آن را جان جکسن انجام داده است.

۲۴. این تصحیح و ترجمه تا کتاب ششم تاکیتوس انجام شده و ناتمام باقی مانده است.

۲۵. شش کتاب نخست در یک جلد منتشر شده است.

26. <https://classicalwisdom.com/latin_books/the-annals-by-tacitus-i/>.

۲۷. در خلاصه‌ای که میرسعیدی پیش از چاپ این کتاب درباره مطالب مربوط به حکومت اشکانیان در کتاب *سال‌نامه‌ها* به صورت مقاله نگاشته است (میرسعیدی ۱۳۷۹)، از ترجمه گرانث استفاده کرده است (Grant 1968). از زمان چاپ مقاله میرسعیدی، که در اصل چکیده همین ترجمه است، تا انتشار این کتاب هفده سال می‌گذرد. باتوجه به حجم اندک کتاب، حدس نگارندگان بر این است که میرسعیدی این ترجمه را به شکل یادداشت‌هایی برگرفته از کتاب *سال‌نامه‌ها* لااقل از سال ۱۳۷۹ در بایگانی خود داشته است؛ بنابراین، بهتر آن بود هنگامی که قول چاپ آن را از انتشارات «ندای تاریخ» گرفته بود درباره ارتقای کیفیت ترجمه و تکمیل بخش‌هایی از آن اقدام می‌کرد.

۲۸. احتمالاً، این استخراج بسیار پیش‌تر از این پژوهش‌گر انجام و منتشر شده است، اما این موارد برای اولین بار در مقاله او یافت شد. ارهارد اشاره به منبع مشخصی نکرده است.

۲۹. بندهای ۴۴ و ۴۹ نیز به‌طور ناقص و ناتمام ترجمه شده است.

۳۰. باین حال، نگارندگان در ادامه دریافتند که کتاب افتادگی‌های دیگری هم دارد که استفاده از آن برای کارهای پژوهشی احتیاط و مراجعه به متن اصلی را می‌طلبد.

۳۱. از روی ترجمه انگلیسی پترسن و مور در مجموعه لوب ۱۹۳۷.

کتاب‌نامه

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۱)، *درالتیجان فی تاریخ بنی‌الاشکان*، به‌کوشش نعمت احمدی، تهران: اطلس.

پیرنیا، حسن (۱۳۷۵)، *تاریخ ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم*، ج ۳، تهران: دنیای کتاب.

رضاخانی، خداداد (۱۳۸۸)، «نگاهی به نسب‌نامه نخستین شاهان اشکانی و نام‌های آنان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، ش ۴۶.

میرسعیدی، نادر (۱۳۷۹)، «تاریخ ایران در کتاب *سال‌نامه‌های امپراتوری رم اثر تاسیتوس*»، *مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۴۰.

میرسعیدی، نادر (۱۳۹۶)، *تاریخ اشکانیان در کتاب سال‌نامه، تاسیت*، تهران: ندای تاریخ.

Allen, W. F. (1890), *Tacitus the Annals*, vol. 1-6, Edited with Introduction Notes and Indexes in College Series of Latin Authors, Edited by Clement Lawrence Smith, Tracy Peck.

- Assar, G. F. (2001), "Recent Studies in Parthian History", part II, *The Celator: Journal of Ancient and Medieval Coinage*, vol. 15, no. 1.
- Assar, G. F. (2004), "Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers-I", *Parthica*, vol. 6.
- Assar, G. F. (2005), "Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers-II: A Revised Stemma", *Parthica*, vol. 7.
- Assar, G. F. (2006 a), "A Revised Parthian Chronology of the Period 165- 91BC", *Electrum*, vol. 11.
- Assar, G. F. (2006 b), "A Revised Parthian Chronology of the Period 91- 55BC", *Parthica*, vol. 8.
- Assar, G. F. (2008), "The Proper Name of the 2nd Parthian Ruler", *Bulletin of Ancient Iranian History*, vol. 4.
- Assar, G. F. (2009), "Artabanus of Trogu Pompeius' 41st Prologue", *Electrum*, Kraków, vol. 15.
- Assar, G. F. (2011), "Iran under the Arsacids, 247 BC – AD 224/227", in: *Numismatic Art of Persia, The Sunrise Collection, Part I: Ancient -650 BC to AD 650*, B. R. Nelson (ed.), Lancaster. Pennsylvania (USA).
- Chaumont M. L. (1976), "L'Arménie entre Rome et l'Iran I. De l'avènement d'Auguste à l'avènement de Dioclétien", in: *Aufstieg und Niedergang der römischen Welt*, Bd.II/9.
- Church and Brodribb (1921), *The Annals by Tacitus*, Translate Alfred John Church, William Jackson Brodribb, Classical Wisdom Weekly.
- Church and Brodribb (1942), *Complete Works of Tacitus*, Alfred John Church, William Jackson Brodribb, Sara Bryant, New York: Random House.
- Church and Brodribb (1982), *The Annals by Tacitus*, Translate Alfred John Church and William Jackson Brodribb:
<https://classicalwisdom.com/latin_books/the-annals-by-tacitus-i/>.
- Coyajee, J. C. (1936), *Cults and Legends of Ancient Iran and China*, Publishe M. J. Karani, Sir Pherooshaw, Mahta Road, Fort, Bombay, Printe P. C. Appoo, At the New Printing Press.
- Dio Cassius (1925), *Dio's Roman History or Historiae Romanaem*, Written by Cassius Dio Cocceianus with an English Translation by Earnest Cary, PH.D. on the Basis of the Version of Herbert Baldwin Foster, PH.D. in Nine Volumes; Volume VIII, William Heinemann, Harvard University Press, London; New York.
- Ehrhardt, N. (1998), "Parther und parthische Geschichte bei Tacitu", in: *Das Partherreich und Seine Zeugnisse: The Arsacid Empire: Sources and Documentation: Beiträge Des Internationalen Colloquiums, Eutin (27-30 Juni 1996) Historia, Einzelschriften (vol. 122)*, J. Wiesehöfer (ed.), Franz Steiner Verlag.
- Furneaux, H. (1906-1907), *The Annals of Tacitus*, Edite Henry Furneaux, [Cornelii Taciti-Annalium Ab Excessu Divi Augusti Libri] in 2 vols, Rivise H. F. Pelham and C. D. Fisher, Oxford: Clarendon Press Oxford.
- Grant, M. (1968), *Annals of Imperial Rome*, Harmondsworth, London: Penguin Book.

- Hughes-Warrington, M. (2008), *Fifty Key Thinkers on History*, London & New York. Routledge, Taylor & Francis.
- Long, G. (1872), *Annals of Tacitus, With a Commentary by Percival Frost*, London, Whittaker and Co., Ave Maria Lane; George Bell and Sons, York Street, Covent Garden.
- Martin, R. H. (1981), *Tacitus: and the Writing of History*, Berkeley, California: University of California Press.
- Mason and Fearenside (1891), *Tacitus—Annals, I*, Edite W. F. Mason and C. S. Fearenside London, W. B. Clive & Co., Univ. Corr. Coll. Press Warehouse, Booksellers Row, Strand. W. C.
- Murphy, A. (1830), *The Works of Cornelius Tacitus: With an Essay on His Life and Genius*, in 4 vols, London: Jones & Company.
- Peterson, W., C. H. Moore, and J. Jackson (1937), *Tacitus, Loeb Classical Library*, 5 vols. Latin texts and facing English translation Harvard University Press, 1925 thru 1937, Translation by C. H. Moore (*Histories*) and J. Jackson (*Annals*).
- Ramsay, G. (1904-1909), *The Annals of Tacitus: an English Translation, with Notes, Introduction & Maps*, 2 vols, John Murray, Albemarle Street London.
- Symonds, A. V. (1906), *The Annals of Tacitus: Books I to VI*, in: New Classical Library, edite Emil Reich, London, Swan Sonnenschein, New York: Macmillan.
- (von) Gutschmid, A. (1888), *Geschichte Irans und seiner Nachbarländer von Alexander dem Grossen bis zum Untergang der Arsaciden*, Tübingen.
- Wolski, J. Z. (1962), “Arsace II et la. Généalogie des Premiers Arsacides”, *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte. Bd. 11. H. 2*, Franz Steiner Verlag.
- Wolski, J. Z. (1993), “L'Empire des Arsacides”, in: *Acta Iranica (Encyclopédie Permanente des Études Iraniennes Publiée par le Centre International d'Études Indo-Iraniennes)*, Jacques Duchesne-Guillemin (ed.), troisième série, Textes et Mémoires vol. XVIII, Brepols, Lovanii: in Aedibus Peeters.
- Wolski, J. Z. (1996), “Quelques Remarques Concernant la Chronologie des Débuts de L'Etat Parthe”, *Iranica Antiqua*, vol. 31.